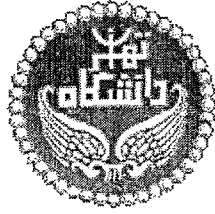


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

گروه حقوق جزا و جرم شناسی

پایان نامه ای برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

رشته حقوق جزا و جرم شناسی

موضوع: بررسی تحلیلی عناصر جرم «قتل عمد» و مجازات آن در  
حقوق جزای افغانستان

استاد راهنما:

دکتر علی خالقی

استاد مشاور:

دکتر محسن رهامی

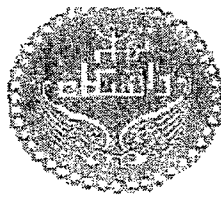
نگارش: حمید الله غلامی

زمستان ۸۸

۱۳۸۹ / ۱ / ۲۸

کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی  
شبه مرکز

۱۳۳۸۲۸



دانشکده حقوق و علوم سیاسی  
گروه آموزشی حقوق جزا و جرم شناسی  
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

میات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: حمیداله غلامی

گرایش:

در رشته : حقوق جزا و جرم شناسی

با عنوان: بررسی تحلیلی عناصر جرم قتل عمد و مجازات آن در حقوق افغانستان

را در تاریخ: ۱۳۸۸/۱۱/۷

به عدد	به حروف
۱۹	نوزده

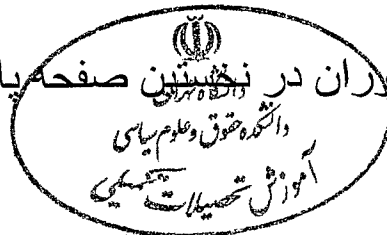
با نمرة نهایی :

ارزیابی نمود.

عالی

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر علی خالقی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر محسن رهامی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر فیروز محمودی جانکی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد داور (خارجی)				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی:	دکتر سید محمد حسینی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر: این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد.





جمهوری اسلامی ایران  
دانشگاه تهران

اداره کل تحصیلات تکمیلی

شماره \_\_\_\_\_  
تاریخ: ۱۷/۱۱/۸۸  
پیوست \_\_\_\_\_

باسمه تعالی

تمهید نامه اصالت اثر

اینجانب <sup>محمد مهدی</sup> محمد مهدی می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف ( در هر زمان ) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .  
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو: محمد مهدی غلامی  
امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان فخر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

فاکس : ۶۴۹۷۳۱۴

مقدمه : ..... ۱

طرح بحث وهدف از تحقیق : ..... ۱

فرضیات تحقیق : ..... ۷

موانع تحقیق : ..... ۹

سازماندهی تحقیق : ..... ۱۰

بخش اول : تحقق قتل عمدی ..... ۱۱

فصل اول: درآمدی بر حقوق کیفری افغانستان و انواع جرم قتل ..... ۱۱

مبحث اول : معرفی اجمالی حقوق کیفری افغانستان ..... ۱۱

گفتار اول: پیشینه تاریخی ..... ۱۱

الف - قبل از استقلال از انگلستان در سال ۱۲۹۸: ..... ۱۲

ب- بعد از استقلال افغانستان : ..... ۱۵

۱- اقتباس حقوق کیفری غربی به شکل نظام نامه ..... ۱۵

۲- اقتباس حقوق کیفری غربی به شکل اصولنامه: ..... ۲۰

گفتار دوم : منابع حقوق جزای افغانستان : ..... ۲۳

۱- قانون مجازات افغانستان مصوب ۱۳۵۵ شمسی : ..... ۲۴

۲- نظر علمای حقوق (دکترین) ..... ۲۴

مبحث دوم : انواع قتل در حقوق کیفری افغانستان ..... ۲۶

گفتار اول : قتل غیر عمدی ناشی از عمل عمدی ..... ۲۶

گفتار دوم : قتل خطایی ..... ۲۸

الف- قتل خطای همراه با تقصیر : ..... ۲۸

ب- قتل غیر عمدی ساده : ..... ۳۰

فصل دوم : عنصر قانونی قتل عمدی ..... ۳۰

- ۳۳ ..... مبحث اول : تعریف های حقوقی
- ۳۵ ..... مبحث دوم : تعاریف قانونی قتل عمدی
- ۳۶ ..... فصل سوم : عنصر مادی قتل عمدی
- ۳۸ ..... مبحث اول: موضوع جرم
- ۳۸ ..... گفتار اول : انسان زنده
- ۴۰ ..... گفتار دوم : انسانی غیر از مرتکب
- ۴۰ ..... بند اول: خودکشی و شروع به آن
- ۴۱ ..... بند دوم: معاونت و شرکت در خود کشی
- ۴۲ ..... مبحث دوم : رفتار مرتکب
- ۴۲ ..... گفتار اول : فعل
- ۴۲ ..... بند اول - فعل مادی
- ۴۴ ..... بند دوم - فعل غیر مادی
- ۴۵ ..... گفتار دوم : ترک فعل
- ۴۹ ..... مبحث سوم : نتیجه
- ۵۱ ..... مبحث چهارم : رابطه سببیت در قتل
- ۵۱ ..... گفتار اول : نظریات راجع به احراز رابطه سببیت میان فعل و نتیجه
- ۵۲ ..... بند اول : نظریه شرط ضروری نتیجه
- ۵۳ ..... بند دوم - نظریه شرط مستقیم و بلافاصله جرم
- ۵۴ ..... بند سوم - نظریه شرط پویای نتیجه
- ۵۴ ..... بند چهارم: نظریه شرط کافی
- ۵۶ ..... گفتار دوم : نظریه مورد قبول در حقوق افغانستان
- ۵۷ ..... مبحث پنجم : عنصر مادی ناتمام

گفتار اول : شروع به قتل ..... ۵۷

گفتار دوم : جرم عقیم ..... ۶۰

گفتار سوم : جرم محال ..... ۶۱

**فصل چهارم : عنصر روانی قتل عمدی ..... ۶۳**

مبحث اول : علم به وجود انسان زنده ..... ۶۳

مبحث دوم : قصد مجرمانه : ..... ۶۴

مبحث سوم : درجات قصد مجرمانه ..... ۶۷

گفتار اول : قصد مجرمانه عام قصد مجرمانه خاص ..... ۶۷

گفتار دوم : قصد مجرمانه ساده و قصد مجرمانه با اندیشه قبلی ..... ۶۸

گفتار سوم : سوءنیت مطلق، سوءنیت مقید ..... ۶۹

بند اول - اشتباه در هویت ..... ۷۰

بند دوم : اشتباه در هدف : ..... ۷۱

گفتار چهارم : سوءنیت جازم و سوءنیت احتمالی ..... ۷۲

..... ۷۴

**بخش دوم : واکنش کیفری در برابر قتل عمدی ..... ۷۷**

**فصل اول : مجازات مرتکب ..... ۷۷**

مبحث اول : انواع مجازات ها در حقوق افغانستان ..... ۷۷

مبحث دوم : مجازات قتل عمدی ..... ۷۸

گفتار اول : مجازاتهای اصلی ..... ۷۸

گفتار دوم : مجازات های تبعی ..... ۸۰

گفتار سوم : مسئولیت مدنی ..... ۸۱

مبحث سوم : کیفیات مشدده مجازات قتل عمدی ..... ۸۲

- گفتار اول - کیفیات مشدده خاص ..... ۸۲
- بند اول - کیفیات ذهنی: ..... ۸۳
- ۱- سبق تصمیم: ..... ۸۳
- ۲- داشتن انگیزه پست: ..... ۸۴
- بند دوم: کیفیات عینی ..... ۸۵
- الف: استفاده از مواد سمی یا منفجره: ..... ۸۵
- ۱- استفاده از مواد سمی ..... ۸۵
- ۱-۱- ماده کشنده: ..... ۸۶
- ۲- استعمال یا وارد کردن به بدن: ..... ۸۷
- ۱-۳- قصد مجرمانه: ..... ۸۸
- ۲- استفاده از مواد منفجره: ..... ۸۹
- ب- قتل پدر و مادر: ..... ۸۹
- ج- مامور دولتی بودن مقتول ..... ۹۰
- د- تعدد مقتولین: ..... ۹۰
- و- هم زمانی قتل عمد با یک جنایت دیگر ..... ۹۱
- ه- پیوند یا ارتباط قتل عمد با یک جنحه یا بخاطر رهایی از مجازات ..... ۹۱
- ک- ارتکاب قتل در زندان: ..... ۹۲
- گفتار دوم: کیفیات مشدده عام ..... ۹۳
- بند اول - علل مشدده قضایی: ..... ۹۳
- بند دوم - تعدد و تکرار در جرم قتل: ..... ۹۴
- گفتار سوم: تشدید مجازات به لحاظ ایراد صدمات بدنی به دیگری ..... ۹۶
- بند اول: - تشدید مجازات اخلاصگری در صنایع ..... ۹۶
- بند دوم - تشدید مجازات حریق عمدی ..... ۹۶



- بند سوم - تشدید مجازات ربودن اطفال ..... ۹۷
- مبحث چهارم : سقوط مجازات قتل عمدی ..... ۹۸
- گفتار اول : عدم مجازات مرتکب به دلیل جرم نبودن عمل ..... ۹۸
- بند اول : دفاع مشروع ..... ۹۸
- بند دوم : امر قانون یا امر قانونی ..... ۱۰۴
- الف - اجرای وظیفه بر اساس حکم قانون ..... ۱۰۴
- ب - اجرای وظیفه بر اساس امر امر قانونی : ..... ۱۰۵
- گفتار دوم : سقوط مجازات در اثر عدم مسئولیت ..... ۱۰۷
- بند اول : اجبار ..... ۱۰۸
- بند دوم : مستی ..... ۱۱۲
- بند سوم : اضطرار ..... ۱۱۵
- بند چهارم : کودکی ..... ۱۱۷
- بند پنجم : جنون ..... ۱۱۹
- گفتار سوم : کاهش مجازات قتل عمدی در نتیجه معاذیر مخفف قانونی واحوال مخففه قضایی ..... ۱۲۱
- بند اول : معاذیر قانونی (مورد قتل ناموسی) ..... ۱۲۱
- بند دوم : احوال مخففه قضایی (تاثیر کیفیات مخفف در مجازاتها) ..... ۱۲۳
- فصل دوم : مجازات سایر مداخله کنندگان ..... ۱۲۶
- مبحث اول : مجازات شریک در قتل ..... ۱۲۶
- گفتار اول - عنصر مادی ..... ۱۲۶
- گفتار دوم : عنصر روانی ..... ۱۲۹
- گفتار سوم : مجازات ..... ۱۳۱
- مبحث دوم : مجازات معاون ..... ۱۳۳

گفتار اول - عنصر مادی ..... ۱۳۴

بند اول : تحریک ..... ۱۳۵

بند دوم : تهیه وسایل ارتکاب جرم قتل ..... ۱۳۷

بند سوم : ارائه طریق ارتکاب جرم قتل ..... ۱۳۷

بند چهارم: تسهیل ارتکاب جرم قتل ..... ۱۳۸

گفتار دوم- عنصر روانی ..... ۱۳۸

گفتار سوم- مجازات معاون ..... ۱۴۰

نتیجه گیری و پیشنهادات : ..... ۱۴۲

منابع ..... ۱۴۷

ضمیمه: مواد مربوط به جرم قتل در قانون جزای افغانستان مصوب ۱۳۵۵ ..... ۱۵۱

## مقدمه :

### طرح بحث وهدف از تحقیق :

دراغانستان ودر سایر کشورها «قتل عمدی»، شدیدترین جرم ومجازات از نظر افکار عمومی و قوانین کیفری است. قتل عمدی عبارت است از سلب حیات دیگری ،این جرم از نظر اهمیت شاید مهمترین موضوع حقوق کیفری اختصاصی در افغانستان ، ایران وسایر کشورهای جهان باشد .

«قتل نفس» از یک طرف به اصل مصونیت و غیر قابل تعرض بودن حیات انسانی که عزیز ترین و دیعه است لطمه می زند و از طرفی دیگر، امنیت و انتظام جامعه را متزلزل می کند. قبل از این که اجتماعات بشری به صورت کنونی، دارای قدرت حاکمه عمومی و تشکیلات دولتی شوند، «قتل نفس» از جمله نصادفات عادی زندگانی برای بقاء محسوب می شود و مقابله با قاتل جنبه شخصی و خصوصی داشت و نه جنبه عمومی. تعقیب یا تنبیه مجازات قاتل یا قصاص برای جبران خسارت و ترمیم ضایعه با کسان مقتول بود نه با جامعه. در گذشته کیفر قبل از هر چیز، وسیله ای است برای اعاده آبروی از دست رفته مجنی علیه و همزمان برای تأیید مجدد حیثیت و قدرت وی با توهین به شخص توهین کننده یعنی مجرم چنانکه یعنی مجرم چنانکه او را خوار کند. در واقع کیفر باید قلب بر آشفته مجنی علیه را آرام بخشد و به وی نفع برساند و برای او نوعی لذت به وجود آورد. بعد از این که اجتماعات بشری به صورت کنونی دارای قدرت حاکمه عمومی و تشکیلات دولتی گردیدند، دولت که نماینده اجتماع است از این جهت که قتل جنبه عمومی داشته و نظام اجتماع را مختل می سازد، تعقیب و مجازات قاتل را به عهده گرفت.

در افغانستان تا قبل از تدوین «نظام نامه مجازات عمومی» در سال ۱۳۰۳ قتل نفس، یک جرم خصوصی به شمار می رفت و خانواده مقتول در اجرای مقررات «فقه اسلامی حنفی»، در باب قصاص و دیات حق داشتند به کلی از مجازات قاتل صرفنظر کرده و یا از او دیه یا خونبهای که مقرر بوده بستانند و یا این که تقاضای «قصاص» و مجازات قاتل را بنمایند. در این صورت قاتل را به حکم فقیه به همان صورت که مقتول را کشته بود به قتل می رسانند. برابر قانون مجازات فعلی افغانستان مصوب ۱۳۵۵ جرم قتل جنبه عمومی دارد. دادستان به نمایندگی اجتماع قاتل را تعقیب و تقاضای مجازات او را می نماید و گذشت

اولیاء دم هر چند در قانون ذکری از آن نشده است، ممکن است از موجبات تخفیف در مجازات محسوب شود.

در جوامع سنتی مانند «جامعه افغانستان» که یک جامعه توسعه نیافته است، جرائم علیه اشخاص مانند «قتل» نسبت به سایر جرائم مانند جرائم علیه اموال مانند کلاهبرداری، پول شویی و غیره، شیوع و گستردگی فراوانی دارد. مراجعه به صفحه حوادث روزنامه ها و اخبار حوادث رسانه های تصویری افغانستان نشان میدهد که این جرم، جرم غالبی است و پوشش رسانه ای فراوانی دارد.

در افغانستان به علت جنگ های گذشته روحیه از خود گذشتگی و صبر و حوصله به نسبت جوامع دیگر در سطح پایینی است، هم چنین وجود اختلافات قومی و مذهبی و سنت های نادرست تاثیر بسزایی بر افزایش شیوع این جرم و چه بسا انجام این جرم موجب سزافرازی و تحسین قاتل توسط اطرافیان میشود. جرم «قتل عمد» در نزد افکار عمومی جنبه خصوصی و شخصی دارد تا «جنبه عمومی»، بنابراین، این طرز تفکر موجب شیوع این جرم در افغانستان، بخصوص در روستاها شده است.

در مورد «مجازات جرم قتل عمد»، جامعه سنتی افغانستان بدون شناخت از مباحث حقوقی و جرم شناسی جرم «قتل عمد»، مرگ قاتل را تنها وسیله ای میداند که میتواند باعث اجرای عدالت شود

بنابراین با توضیحات فوق روشن میشود که بررسی و تحلیل و تبیین این جرم از نظر حقوقی نسبت به سایر جرائم دارای اولویت میباشد.

جرم قتل موضوع مواد ۳۹۵ و ۳۹۶ قانون مجازات افغانستان است. قانون گذار افغانستان بر عکس قانون گذاران ایران و قرآنسه در کلیات قانون مجازات، مباحث عنصر مادی و عنصر روانی را بیان کرده است که توانسته است کمک بزرگی به شرح و تبیین مجازات «قتل عمد» نماید.

عنصر مادی کلیه جرائم به طور عمومی در فصل دوم کتاب اول قانون مجازات در مواد ۲۷ الی ۳۳ پیش بینی و تبیین شده است.

«عنصر معنوی» کلیه جرائم به طور عمومی نیز در قسمت دوم فصل دوم در مواد ۳۴ تا ۳۶ اشاره شده است مجازات این جرم شدیدترین مجازات حقوق موضوعه افغانستان است، این مجازاتها در مواد ۳۹۵ و ۳۹۶ «قانون جزا» گفته شده است. جرم «قتل عمد» با توجه به اینکه با جان و حیات مردم ارتباط دارد دارای

اهمیت فراوانی است لذا باید مورد تبیین، تحلیل دقیق و موشکافانه ای قرار بگیرد. همانطور که میدانیم قتل انواع مختلفی دارد ولی ما در این رساله فقط به «قتل عمد» خواهیم پرداخت از آنجا که «قتل عمد»، از لحاظ عنصر مادی، نابودی جان یک موجود انسانی است لذا مستلزم وجود بزه دیده و عمل قتل است. عنصر روانی «قتل عمد»، اراده سلب حیات (animus necandi) است.

اهمیت جرم «قتل عمد»ی» نه تنها از میزان مجازات پیش بینی شده برای آن در نظامهای حقوقی مختلف (اعم از قصاص، اعدام، حبس ابد یا حداقل حبس طویل المدت) قابل درک است؛ بلکه مقررات ماهوی و شکلی دیگری نیز بر آن دلالت دارد. از جمله این که در برخی از کشورها؛ مثل ایران و انگلستان؛ اکراه مجوز ارتکاب قتل عمدی نمی باشد. مجازات اصلی این جرم در حقوق جزای افغانستان، ۲۰ تا ۲۰ سال حبس است و در صورت ارتکاب قتل توأم با احوال مشدده خاص؛ مجازات آن مرگ است.

مقررات مربوط به «قتل عمد» در این کشور ملهم از حقوق کشورهای اروپایی همچون «ایتالیا» و «فرانسه» است. بنابراین قانون گذار افغانستان «حقوق عرفی نوین» را به عنوان منبع الهام بخش خود برگزیده است. مقررات راجع به «قتل عمد» در مواد ۳۹۵ و ۳۹۶ قانون مجازات افغانستان مورد بررسی قرار گرفته است. مجازات قتل عمدی در حقوق افغانستان حبس ۲۰ تا ۲۰ سال است مگر این که همراه کیفیات مشدده یا شد که مجازات آن با یک درجه تشدید، تبدیل به مجازات «اعدام» می شود.

اگر چه در ابتدای بحث قتل در قانون مجازات افغانستان مقررات مربوط به قصاص و حقوق جزای اسلامی مورد شناسایی قرار گرفته است ولی در افغانستان عملاً از سال ۱۳۴۳ به علت نبودن دادگاه های شرع و عدم اراده مقامات دولتی عملاً و مطابق رویه قضایی موجود مقررات مربوط به قصاص اجرا نمی شود.

یکی از شاهان گذشته افغانستان به نام «محمد ظاهر شاه» در یک مصاحبه با تلویزیون فارسی بی بی سی در سال ۱۳۸۱ اعلام کرده بود که او به علت این که مقررات مربوط به قصاص در قرآن، همراه گذشت و عفو از قصاص آمده است ولی روحیه مردم افغانستان به گونه ای است که هرگز گذشت و عفو نمی کنند، پس بنابراین اجرای قصاص به کناری گذاشته شد.

بعد از سقوط «طالبان» در سال ۱۳۸۰ حقوق کیفری افغانستان از یک سو به مقررات جزایی عرفی که در سابق مورد اجرا بود، رجعت کرد و از سوی دیگر مطابق قانون اساسی جدید افغانستان مصوب ۱۳۸۲، دولت افغانستان «اعلامیه

حقوق بشر» و میثاق های بین المللی و سایر مقررات بین المللی را مورد اجرا قرار می دهد و به آن احترام می گذارد و آن را در مقررات داخلی مورد استفاده قرار می دهد.

مقررات مربوط به قتل در قانون مجازات افغانستان، شباهت بسیاری به مقررات مربوط به قتل در قانون مجازات ۱۳۰۴ شمسی ایران دارد. این مقررات از قانون مجازات ۱۸۱۰ فرانسه و قانون مجازات ۱۹۳۰ ایتالیا ملهم و مورد اقتباس قرار گرفته شده است.

در مورد «قتل عمدی» از نظر حقوقی مطابق قانون مجازات افغانستان در دانشگاه های جمهوری اسلامی ایران هیچ گونه تحقیق، رساله و پایان نامه ای صورت نگاشته نشده است. در دانشگاه های افغانستان نیز به علت جنگ های گذشته نیز هیچ گونه تحقیق، رساله و پایان نامه ای نگاشته نشده است. بنابر این پرداختن به این موضوع مهم در قانون و حقوق جزا امری بدیهی و لازم است.

در قانون مجازات افغانستان با توجه به این که مصوب ۱۳۵۵ شمسی است و هیچ گونه اصلاحاتی در آن صورت نگرفته است؛ بنابراین خلاء ها و نقاط ضعف فراوان در کنار نکات مثبت فراوان با توجه به موقعیت افغانستان وجود دارد. محققان و صاحب نظران مسائل حقوقی ایرانی به علت مشکلات جنگ های داخلی و همچنین ناآشنایی با افغانستان و نظام حقوقی آن علی رغم همسایگی و هم زبانی توجه ای نکرده اند و لذا باید امید وار بود که در آینده ارتباط بیشتر حقوقی بین دو کشور برقرار شود.

از آن جایی که مقررات مربوط به قتل ملهم از «حقوق عرفی» است برای بررسی و شرح و تفسیر مواد قانونی باید تلاش شود به طور گسترده به منابع مورد نظر قانون گذار که قانون مجازات فرانسه است مراجعه گردد؛ چرا که نقد و بررسی حقوق عرفی از زاویه نگرش احکام فقهی کاملاً غیر علمی است و عدم عنایت به این موضوع، مباحث و نتیجه گیری های غیر واقع بینانه ای به دنبال آورده است. متأسفانه به علت بروز مشکلات فوق، ذکر آراء وحدت رویه، اصراری و رویه فعلی از نظر دور مانده است و به آن در این رساله اشاره نشده است.

در این رساله سعی شده است در بررسی هر موضوع ضمن مراجعه به منابع مورد استفاده قانون گذار، دیدگاه ها و اقوال حقوق دانان، نظرات مختلف آن ها نیز مطرح گردد.

لذا هدف اصلی و عمده ام با توجه به این که اینجانب تبعه افغانستان هستم و دوران تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد را در جمهوری اسلامی ایران می گذرانم، در نگاشتن این پایان نامه بیان مفهوم و تعریف جامع و مانعی از جرم

«قتل عمد» و تبیین عناصر قانونی، مادی و روانی این جرم است هم چنین تلاش در جهت بیان خلاها، کاستی ها و ابهامات احتمالی این موضوع در قانون مجازات افغانستان است

هدف دیگر این جانب در نگاشتن این پایان نامه، با اذعان به این که افغانستان یک کشور اسلامی و فارسی زبان است، بحث و بررسی جرم قتل عمدی و مطالعه تطبیقی آن می تواند برای جامعه ی دانشگاهی و دانشجویان ایرانی مفید و همچنین باعث معرفی سیستم حقوقی افغانستان به جامعه حقوقی و قضایی ایران شود.

همچنین استفاده از آرا قضایی و نظرات حقوقدانان ایرانی در تبیین مباحث حقوقی به خصوص قتل می تواند کمک بزرگی در توسعه و تعالی حقوق کیفری افغانستان بنماید.

## پرسشهای تحقیق :

پیش از انجام هر پژوهش پرسش هایی به ذهن پژوهشگر خطور می کند که در حقیقت محرک اصلی وی از انجام پژوهش تلقی می گردد به طوری که در واقع فکر پژوهش و انتخاب موضوع آن مسبوق به پرسش های پیش گفته است. اما مهمترین پرسش هایی که ذهن نگارنده را مشغول ساخته اند به قرار ذیل می باشد..

۱- قانون گذار افغانستان در انتخاب میان « حقوق عرفی نوین » و « حقوق شرعی » سستی کدامیک را به عنوان منبع الهام بخش خود در تدوین قوانین راجع به قتل عمدی برگزیده است؟

۲- در حقوق کیفری افغانستان ضابطه «عمد» در جرم قتل چیست؟

۳- آیا کیفر «قتل عمد» در حقوق افغانستان در همه اوضاع و احوال یک مجازات است یا اینکه این کیفر دارای درجات مختلف برای ارتکاب «قتل عمد» در اوضاع و احوال متفاوت است؟

۴- در حقوق کیفری افغانستان، مجازات سایر مداخله کنندگان در ارتکاب «قتل عمد» به چه میزان است و تابع کدام سیستم ها میباشد ؟



## فرضیات تحقیق :

اساساً پیش از پرداختن به هر پژوهش پیش فرض‌هایی در خصوص موضوع تحقیق در ذهن پژوهشگر وجود دارد که این یک امر اجتناب‌ناپذیر است، اما هنر پژوهشگر در این است که اجازه ندهد این پیش فرض‌ها بروند پژوهش وی تأثیر گذاشته، و آنرا از مسیر صحیح آن خارج سازد و ممکن است پژوهشگر صرفاً در جهت اثبات پیش فرض‌های خود گام بردارد در واقع محقق در اثنای مطالعه و تحقیق بایستی ضمن در نظر داشتن پیش فرض‌های خود به مطالعه و تحقیق بپردازد و نهایتاً در خصوص پیش فرض‌های خود اظهار نظر نمایند.

در این تحقیق نیز فرضیاتی در ذهن پژوهشگر نقش بسته است که بعداً مرتبط با پرسش‌های اساسی پیش گفته می‌باشد. این فرضیات نهایتاً در قسمت نتیجه‌گیری همین پژوهش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. و در مبنای صورت گرفته تأیید یا احیاناً رد می‌شوند و اهم فرضیات مذکور به قرار ذیل است :

۱- با نگاه به قانون مجازات افغانستان و مقررات مربوط به قتل و احکام صادر شده از دادگاهها در نظم کنونی حقوقی و قضایی از سال ۱۳۸۰ به بعد، به نظر می‌رسد که قانونگذار افغانستان حقوق عرفی نوین را به عنوان منبع الهام بخش خود در تدوین قوانین راجع به قتل عمدی برگزیده است. این جرم در حقوق کیفری افغانستان یک جرم عمومی است برخلاف مقررات مربوط به قصاص که حتی گذشت اولیاء دم را به عنوان احوال مخففه نیز ذکر نکرده است

۲- «ضابطه عمد» در قانون مجازات افغانستان بین «قتل عمد» و قتل غیر عمد وجود عنصر روانی است که عبارت است از اراده ارتکاب جرم قتل + قصد مجرمانه قتل (در جرم قتل عمدی) یا اراده ارتکاب فعل + خطا (در جرم قتل غیر عمدی).

۳- «قتل عمد» در حقوق افغانستان دارای مجازات‌های متفاوت، در اوضاع و احوال مختلف است، که ما بین مجازات «اعدام» در صورت وجود کیفیات مشدده و مجازات پنج تا پانزده سال در صورت وجود کیفیات مخففه و معاذیر مخففه قانونی در نوسان است.

۴- مجازات شریکان جرم قتل عمدی در حقوق کیفری افغانستان تابع سیستم «ذهنی بودن وقایع» است، مجازات هر یک از شرکا، مجازات فاعل مستقل می‌باشد. و در میزان مجازات معاونت در ارتکاب قتل نظریه عینی یا موضوعی را ترجیح داده است و برابر فاعل اصلی قرار داده است.

## روش تحقیق :

روش تحقیق نگارنده در نگارش این پژوهش نظیر اکثر تحقیقات حقوقی ، روش تحقیق «تحلیلی و توصیفی» است. منبع اصلی رساله، قانون مجازات افغانستان مصوب ۱۳۵۵ هجری شمسی است، در تحلیل و شرح مقررات مربوط به قتل از قانون جزای افغانستان بیشترین بهره گرفته شده است.

در این راستا سعی شده است تا از کتاب های معتبر حقوقی نگارش شده توسط حقوقدانان ایرانی به خصوص حقوقدانانی که در دوره نظام گذشته حقوقی ایران به شرح و تبیین قانون مجازات ۱۳۰۴ ایران پرداخته اند استفاده شود و همچنین چون منبع اصلی قانون جزای افغانستان قانون مجازات قدیم فرانسه است، از نظرات حقوقدانان فرانسوی نیز استفاده شده است در شرح موادی که قانونگذار افغانستان ساکت است..

اینجانب ضمن بهره گیری از این منابع به سوالات اساسی در زمینه موضوع تحقیق که بررسی قتل عمدی در حقوق افغانستان است ، پاسخ گفته شود. همچنین اینجانب از دوره های آموزشی قضایی که برای قضات افغانستان از سوی موسسات خارجی مانند موسسات « idlo » و «ماکس پلانک» برپاشده است نیز استفاده نموده ام . البته گرچه نگارنده در طرح مطالب این تحقیق بی تردید تکیه بر مطالب این منابع داشته، اما سعی نموده است. خصوصیات افزایشی بودن پژوهش که از اوصاف اساسی یک تحقیق علمی است و حتی الامکان مطلبی جدیدی برای خوانندگان ایرانی عنوان گردد. بدیهی است طرح مطالب جدید هرچند خصوصیت افزایش بودن و جرات طلبی تحقیق را تضمین می نماید. اما در عین حال آنرا در معرض خطاها و کاستیهایی قرار می گیرد که به نظر به اندوخته علمی ناچیز نگارنده امری اجتناب ناپذیر است.

## موانع تحقیق :

به علت عدم وجود مقطع کارشناسی ارشد و دکترا رشته حقوق جزا در دانشگاههای افغانستان که ناشی از وقوع جنگ های داخلی سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ شمسی است. در دانشگاههای افغانستان هیچ گونه پایان نامه ای در زمینه قتل نوشته نشده است و همچنین به علت ناآشنایی دانشجویان ایرانی با نظام حقوقی افغانستان و مشکلات فوق هیچ گونه بررسی تطبیقی توسط دانشجویان و اساتید این کشور در این زمینه صورت نگرفته است.

همان طور که می دانیم افغانستان از سال ۱۳۵۸ گرفتار جنگهای داخلی شد که موجب نابودی نظام اداری و به خصوص نابودی دستگاه قضایی افغانستان شد و منجر به مهاجرت قضات و حقوق دانان به خارج از کشور گردید.

بنابراین دستگاه آموزش عالی حقوقی از میان رفته و گسترش و تعالی حقوقی کشور با مانع مواجه است و در نتیجه آثار حقوقی جدید که متناسب با پیشرفت های جدید در علم حقوق است آفریده نشده است. عدم وجود آموزش عالی منجر به آن شد که پژوهش های حقوقی در حد ضغرباشد و هیچ گونه پایان نامه و پژوهشی درباره مباحث حقوق کیفری و به خصوص قتل نوشته نشود.

جنگ های داخلی در افغانستان از ایجاد دادگستری منظم و صدور آرای دقیق و مستدل و بالاخره ایجاد رویه قضایی مناسب جلوگیری کرد. و در نتیجه در حال حاضر هیچ گونه آرشویی از آرای قضایی همرا با مشروح مذاکرات در کشور وجود ندارد. که مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد.

بنابراین با توجه به موارد ذکر شده فوق کمبود یا فقدان منابع برای تحقیق به عنوان مهمترین مانع در نوشتن این رساله است.

در حال حاضر دستگاه عدالت قضایی در آغاز راه بازسازی و توسعه قضایی با کمک کشورهای اروپایی و مسلمان به خصوص مصر است. که با استفاده از تجارب آن کشورها، نقایص و مشکلات فوق اندک اندک کاسته شود. انشا الله

## سازماندهی تحقیق:

موضوع پایان نامه بررسی تحلیلی عناصر جرم قتل ومجازات آن در حقوق افغانستان است که در دو بخش به شرح آن پرداخته ام.

فصل اول بخش اول، شامل آشنایی با پیشینه نظام حقوق کیفری افغانستان در دو بخش قبل و بعد از استقلال افغانستان از انگلستان است و هم چنین ذکر منابع حقوق کیفری افغانستان است. همچنین در این گفتار انواع قتل در حقوق کیفری افغانستان نیز مورد بحث و تبیین قرار گرفته است.

در بخش اول این پایان نامه در مباحث متعدد، شامل عنصر قانونی، تعریف قتل عمدی و عناصر قانونی، مادی و روانی جرم «قتل عمد» است که به شرح و تبیین آن مطابق قانون مجازات افغانستان و نظرات حقوق دانان ایرانی و فرانسوی پرداخته است.

بخش دوم شامل مبحث واکنش کیفری در برابر قتل عمدی است که این بخش به دو فصل تقسیم شده است. در فصل اول مجازات مرتکب و انواع مجازاتها در حقوق افغانستان، کیفیات مشدده مجازات قتل عمدی، سقوط مجازات قتل عمدی به دلایل جرم نبودن عمل و در اثر عدم مسئولیت و همچنین کاهش مجازات قتل عمدی در نتیجه معاذیر مخفف قانونی و احوال مخفف قضایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در فصل دوم بخش اول، مجازات سایر مداخله کنندگان که شامل معاون و معاونت در جرم قتل عمدی است مورد بررسی و تبیین حقوقی قرار گرفته است.

نگارنده در تمام موضوع های این کتاب ایمان راسخ به اصل قانونی بودن جرم ومجازات که به صراحت در اصل ۲۱ قانون اساسی افغانستان مورد تاکید قرار گرفته و حافظ حقوق وآزادی های مندرج در این قانون است اثر حاضر را به پایان رسانده ام وهمچنان معتقدم که قانون اساسی افغانستان و قانون مجازات افغانستان پشتوانه قدرتمند این اصل می باشند. با توجه به شباهت مقررات راجع به قتل عمدی در قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ ایران با مقررات قتل عمدی در قانون مجازات افغانستان از نظرات اساتید حقوق ایرانی وهمچنین نظرات وآرا هیئت عمومی دیوان عالی کشور ایران در شرح و تبیین مقررات راجع به قتل استفاده کرده ام. در تمام مراحل با دقت فراوان وحسب وظیفه تلاش کردم که در ذکر منابع تعللی صورت نگیرد..

در پایان از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر علی خالقی به عنوان استاد راهنما و جناب آقای دکتر رهامی به عنوان استاد مشاور که در نوشتن این پژوهش به این جانب کمک و راهنمایی کرده اند بی نهایت سپاسگزارم.